

دو سند در تاریخ کتابداری ایران

نوشته احمد شعبانی

چکیده: در این مقاله دو وقف‌نامه از مجموعه اسناد کتابخانه آستان قدس رضوی معرفی می‌شوند. این وقف‌نامه‌ها به قرنهای دوازدهم و سیزدهم هجری قمری تعلق دارند و در آنها واقف تعدادی کتاب را وقف عام کرده و همچنین برای کتابدار و هزینه‌های نگاهداری و صحافی کتابها نیز مبالغی را در نظر گرفته است.

دو وقف‌نامه‌ای که در اینجا به چاپ می‌رسد برگرفته از «مجموعه اسناد وقف آستان قدس رضوی» است که به شماره ۲۹۸۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مضبوط است. در شناسایی این اسناد نخستین بار شرح و توصیف موضوعی در مقاله استاد محترم سرکار خانم نوش آفرین انصاری در جشن‌نامه استاد مدرس رضوی (تهران، ۱۳۵۶) آمده است و همو در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان «وقف‌نامه در تاریخ کتابخانه و کتابداری» که در یادنامه ادیب نیشابوری (تهران، ۱۳۶۵) منتشر شده، اشاراتی به این اسناد کرده است. به ملاحظه اهمیت این وقف‌نامه‌ها، نگارنده اهم وقف‌نامه‌های آستان قدس رضوی را سنجید و به طبع دو متن ذیل که دارای اطلاعاتی ارزشمند در تاریخ کتابداری ایران است گماشت. این اسناد که مشتمل بر نام کتابدار و شناسایی یکی از کتابداران متأخر است و نام کتب مجموعه‌ای وقفی و شیوه امانت را ذکر کرده که در تاریخ کتابداری اهمیتی وافر دارد.

در سند نخست به تاریخ ۱۱۰۷ هجری قمری، واقف در پاره ثانوی متن حاضر به وقف بیست و هفت کتاب به مدارس مشهد سعی آورده و مقرر می‌دارد که هر کس از طلبه مدارس محتاج به مطالعه و مباحثه آن کتب بوده باشد، مقرر است متولی مزبور، آن کتاب را به مدت سه ماه به وی داده و قبضی را به متولی بسپارد. در کتب یاد شده سوای عناوین تفاسیر قرآن و علوم دینی و فقهی، نام دو کتاب خلاصه

حساب و خلاصه هیئت دیده می‌شود که نشانگر توجه طلاب علوم دینی به علوم خالص است، اما از کتابهای فلسفی و دیوان اشعار سخنی نیست.

در سند ثانوی به تاریخ ۱۲۱۲ هجری قمری عبدالمجیدخان بخشی از املاک خویش را در باغات فیض آباد وریوند بر کتابخانه آستانه علی بن موسی الرضا (ع) وقف مؤبد و حبس مخلد نموده که هزینه آن صرف خرج صحافی کتاب و اسباب حفظ کتابخانه شود، و عشری از آن به کتابدار آن کتابخانه مبارکه تعلق گیرد. اهمیت کتابدار این کتابخانه در تفویض تولیت و القاب یاد شده ذکر شده است، و از آن جا که واقف به مقام منبع کتابدار کتابخانه مبارکه اعتماد دارد، پس از حاجی ملامحمد، تولیت را به هر یک از مباشران کتابخانه واگذار می‌نماید. جالب است که شیوه لعن و نفرین در این سند با مخالفین وقف مزبوره بسی تشدد آمیز است؛ «و کسی که مخالفت شرایط مزبوره نماید به لعنت خدا و نفرین رسول خدا و ائمه هدی گرفتار شود.»

در پایان بر خود لازم می‌دانم از راهنمایی‌های سرکار خانم نوش آفرین انصاری و جناب دکتر احمد طاهری عراقی تشکر نمایم.

سند شماره ۴۷: به تاریخ ۱۱۰۷ هجری قمری

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف على ماتجه الصدور و تلحظه الاحداق المنزه عن الاباء والاولاد بالنص والاتفاق المنعم بانعام العميم على البر والفاخر فى الافاق المحسن باحسانه القديم من غير استجباب ولا استحقاق. والصلوة والسلام على الابرار و نور الانوار بالعشى والاشراق و على اولاده الاوصياء الذين اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهيرا. و بعد باعث بر تحرير و تسطير اين خطاب مستطاب حاكى از صدق و صواب و خالى از ريب و ارتياب آن است که در ايمن اوقات و اسعد ساعات حاضر گرديد در عليا محكمه، محكمه عليّه عاليه مشهد مقدس معلی مزكى صانها الله عن الافات والبيات

جناب سیادت و نجابت و رفعت پناه مکرمت و عزت دستگاه محمدت و صلاحیت انتباه مرضیه الاطوار... میرزا سیدحسنا ابن مرحمت پناه میرزا ابوالقاسم الجامی و فی حالة الصحة والاختیار الخالیة من شایبة الاکراه والاجبار وقف مؤبد و حبس مخلد دینی نمود همگی و تمامی کل یک درب حوالی معین معلوم واقع در محله سراب من محلات مشهد مقدس معلی را که در کوچه باغ عنبر و مشتمل بر مهمانخانه و حرمسرا و محدود است به حدود اربعه ذیل

حدی	حدی	حدی	حدی
به خانه ذریه	به خانه ^۱	به بازار	به خانه ذریه
غفران پناه	ملا محمد تقی	ملا عبدالحی	ملا محمد تقی
بوداق خان		و مرعام	

با کافه ملحقات و منضعات^۲ و متعلقات شرعی و عرفیه و عادیه آن ممر و مدخل ابواب و احشاش و بیوت علویه و سفلیه^۳ و فضای متعلقه و غیرذلک، ذکرام لم یدکرو سُمی ام لم یسم، بر کل مقبره معلومه واقعه در پایین پای مبارک را که در صفة ایوان مقبره مرحمت و غفران پناه ابن حسن خان و واقف مزبور به مال و رجال خود جهت مدفن ساخته و وقف کرده و بر سیادت و نجابت و صلاحیت میرسید قاسم را حافظ مقبره مزبوره نمود قریه الی الله و طلبالمرضاته و لصیغه شرعیة بالعربیة والفارسیة متلفظ شدند و محل مزبور را از تحت تصرف خود اخراج و تخلیه نموده و به تصرف وقف داد و تولیت وقف مزبور را مادام حیوة مخصوص خود گردانید، مقرر آنکه هر ساله بعد از وضع تعمیرات شکست و ریخت ضروری یک عشر حاصل و منافع وقف مزبور را واقف به حق التولیه تصرف و نه عشر را به شرح ذیل صرف روشنایی و وظیفه حافظ مزبور نماید: جهت روشنایی هر ماه عن وظیفه حافظ مقرر آنکه هر صبح و شام در سر قبر مزبور حاضر گردیده یک جزو کلام مجید را تلاوت و ثواب آن را به واقف هدیه نماید.

۳. در اصل: سفلیه

۱. در اصل: بخوانه

۲. در اصل: منضعات

و بعد وفاته تولیت وقف مزبور را واقف مومی‌الیه مفوض و مرجوع نمود به عالیحضرت ستوده مرتبت مقدّس طینت شرافت و نجابت انتباه هدایت و مکرمت دستگاه فضیلت و افاضت انتباه محمّدت و مناعت و کمالات انتباه خلاصه الاشراف والنجباء الکرام غنی‌اللقابی میرزا نورالدین محمدالجیل عاملی و ارشد واصلح اولاد ذکور و اولاد اولاد ذکور معزی‌الیه بطناً بعد بطن و عقباً بعد عقب والعیاذبالله با وجود انقراض اولاد ذکور و اولاد اولاد ذکور ان تولیت وقف مذکور به عالیجاه متولی سرکار است که به شرح تفصیل فوق هر ساله یک عشر منافع وقف مذکور را بعد از وضع ضروری تعمیرات و عن آنچه باعث بقاء و نماء وقف بوده باشد یک عشر را به حق التولیه تصرف و نه عشر را برین موجب صرف نماید: جهت روشنایی، جهت حافظ سر قبر مقرر آنکه در هر صبح و شام در سر قبر حاضر شده به قدر نیم جزو از کلام مجید تلاوت نماید و عزل و نصب حفاظ سر قبر مزبور در هر وقتی از اوقات منوط به رأی متولی مزبور است که بدانچه مناسب دانند معمول و مرتب گردانند، باند که محل مزبور را به نحو مسطور وقف مؤبد و حبس مخلد دانسته تغییر و تبدیل در قواعد آن راه ندهند و تصرفات مالکانه در آن ننمایند، به حیث لایبایع و لایرهن و لایوهب و لایغیر و لایبدل فمن بدله بعد ماسمعه فانما اثمه علی الذین یدلونوه و من سعی فی ابطاله و تغیره فعليه لعنة الله والملائکه اجمعین و حره الله فی الدرک الاسفل مع الکفار والمنافقین.

و ایضاً واقف مزبور تمامی کتب مفصله ضمن را وقف طلبه علیّه مدارس مشهد مقدّس معلی نمود و به دستور تولیت آن را مادام حیوته مخصوص خود و بعد از آن به عالیحضرت میرزا نورالدین محمد معزی‌الیه و اولاد ذکور و اولاد اولاد ذکور او مرجوع نمود ما توالدوا و تناسلوا بطناً بعد بطن و عقباً بعد عقب و بعد از انقراض اولاد ذکور و اولاد اولاد ذکور مومی‌الیه تولیت متعلق به عالیجاه متولی سرکار است. مقرر آنکه در هر مرتبه از مراتب مسفوره هر کس از طلبه مدارس محتاج به مطالعه و مباحثه آن بوده باشد، متولی مزبور داده تا مدت سه ماه نزد خود نگاهدارند و قبض به متولی سپارند و با رفع احتیاج به متولی رد و ثانیاً اگر خواهند به اذن جدید بازیافت نمایند. و ایضاً شرط شده که اگر حاصل وقف مزبور فوق وفا به روشنایی و وظیفه حافظ مزبور ننماید به نحوی که رأی متولی اقتضاء فرماید، حاصل وقف مزبور را بر سر روشنایی و وظیفه حافظ به مقتضای رأی خود سویت و قسمت نماید و در هر

باب عن آنچه لازمه امور تولیت بوده باشد معمول سرکار. تحریراً تاریخ رابع شهر ذی‌عده الحرام من شهور سنه سبع ومائة والف ۱۱۰۷.

کتاب موقوفه مزبوره:

عیون اخبار الرضا	حدیث قدسی	قواعد	تفسیر قاضی بیضاوی	تفسیر ابوالفتوح
جلد	جلد	جلد	جلد	جلد
ملاحظه حساب	خلاصه ^۴ طحالی	مختصر... ^۵	فارسی هیئت	منهاج الکرامه
جلد	جلد	جلد	جلد	جلد
شمسیه منطق	آیات الاحکام	خلاصه هیئت	مختصر علامه	مختصر نافع الفقه
جلد	جلد	جلد	جلد	جلد
کیمیای سعادت	اربعین شیخ	روضه الصفا	روضه الصفا	خلاصه الإذکار وسرا یر الصلوة
جلد	جلد	جلد	جلد سوم	جلد
الداعی	ثواب الاعمال	عقاب الاعمال	نهج الدعوة	الرساله
جلد	جلد	جلد	جلد	
منهاج ^۶				
جلد				

خلاصه مضمون مسطور این صحیفه شرعی صادره از حضرت واقف مشارالیه است که حضرت واقف مومی‌الیه کل منزل محدود موصوف متن را با ملحقات شرعیه وقف نموده بر مقبره معینه خود که در جوف ایوان مقبره غفران پناه ابن حسن خان به مال و رجال خود ساخته و بر یک نفر حافظ مزبور بعد از انهدام و خرابی وقف است

۴. کذا فی الاصل

۵. کذا فی الاصل

۶. در اصل: السلطان

بر فقرا و مساکین ارض اقدس، دیون آن را مادام حیات مأخوذ و بعد از آن به عالیحضرت میرزا نورالدین محمدالمعزی الیه واصلح و اتقی اولاد ذکور او و اولاد اولاد ذکور او و بعد از آن به عالیجاه متولی سرکار است که تفویض نمود، مقرر آنکه در مرتبه از مراتب مسطورہ متولیان حاصل و منافع وقف را بعد از وضع تعمیرات شکست و ریخت ضروری به مقتضای رأی خود صرف وظیفه حافظ و روشنائی مقبره مزبوره و بعد از انهدام و خرابی مقبره بر فقراء و مساکین بلده طیبہ مشهد مقدس به مقتضای رأی خودهر یک قسمت نماید و کتب مفصله به شرحی که در انتهای این ورقه مرقوم شده وقف طلبه علوم دینیہ است والسلام.

سند شماره ۵۰: به تاریخ ۱۲۱۲ هجری قمری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله الهادی الی سبیل الرشاد الناظر لآمر المعاش والمعاد والموقف الی طریق الفلاح والسداد المؤید المنهاج الصلاح والرشاد والصلوة والسلام علی محمد المبعوث الی كافة العباد... المبدأ والمعاد وعلی علی و ذریتهما الی یوم التناد. اما بعد باعث بر تحریر و تسطیر این کلمات شرعیة الدلالات، آنکه حاضر شد عالیجاه رفیع جایگاه عظمت و حشمت و اجلال دستگاه عبدالمجیدخان وقف مؤید و حبس مخلد نمود همگی و تمامی هفت جویه میم معمور معنّب واقع در باغات فیض آباد مع یک سهم آب از مدارسی و دو سهم مزبوره واقع در بلوک ریوند شامات من بلوکات بلده طیبہ نیشابور محدود به این حدود حد شرقی متصل به ممر عام حد شمالی به ملک عالیشان میرزا محمد اسمعیل وزیر با جمیع توابع و لواحق و ممر و مدخل و کل مایعلق به جهت ذخیره یوم لاینفع مال و لابنون بر کتابخانه مبارکه سرکار فیض آثار عظمت مدار امام السرّ و العلن حجة الله علی الخالقین و سلطان^۶ المشرقین اعنی جناب ابوالحسن علی ابن موسی الرضا علیه الاف التحية والثناء مشروط آنکه آنچه حال منافع هفت جویه مزبور عاید گردد صرف خرج صحافی صحف و کتب و اسباب حفظ کتابخانه مبارکه گردد، الاذوعشر آن به عنوان حق التولیه تعلق به کتابدار سرکار

